

آینده بشریت و مژده خلافت صالحان

محمدباقر شریعتی سبزواری

برای ارائه نمونه‌ای از تحقق این وعده الهی در گذشته می‌فرماید: «کما استخلف الذین من قبلکم؛ چنانچه در نسل‌های پیشین نیز چنین اتفاقاتی افتاده است.» فرعونیان را به دست موسی نابود ساختیم، در نتیجه بنی‌اسرائیل حکومت را در دست گرفتند. همان‌گونه که این حقیقت را در آیه دیگر نیز متذکر می‌شود: «و اورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون مشارق الارض و مغاربها الّتی بارکنا فیها و تمت کلمة ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا و دمّرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما کانوا یعرشون»^۱ در این آیه از حکومت مستضعفان مؤمن که از هر سو به استضعاف کشیده شده بودند، سخن به میان آورده و از آنان به عنوان وارث شرق و غرب عالم و سرزمین‌های سبز و خرم مانند، مصر و شامات (که برکات الهی آن محسوس است)، یاد می‌کند و احسان خدا بر بنی‌اسرائیل را به تمام و کمال می‌داند و می‌فرماید: به پاداش صبر و پایداری در برابر مشکلات، فرعون و قومش را با آن همه صنایع و ابزارهای جنگی، عمارات و کاخ‌های با عظمت نابود ساختیم.

در قسمتی دیگر از زبان حضرت موسی (ع) به عوامل پیروزی بر مستکبران پرداخته و می‌فرماید: «قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین»^۲ در این آیه

در مقاله پیشین آینده بشریت را از نظر قرآن بررسی کردیم و گفتیم که مطابق قرآن خلافت آینده، ویژه مؤمنان راستین و صالحان زمین است. تاکنون دو آیه از قرآن را برای اثبات مدعا مطرح نمودیم، اکنون سومین آیه را مورد تحلیل قرار می‌دهیم. قرآن در سوره نور می‌فرماید: «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکننّ لهم دینهم الّذی ارتضی لهم و لیبذلّهم من بعد خوفهم امناً یعبدوننی و لا یشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلك فاولئک هم الفاسقون»^۳ آیه فوق در مقام مژده و تعلیم و یادآوری یک قانون کلی و سنت الهی است؛ ذات اقدس الهی در این آیه به تمام بندگان مؤمن و انسان‌های صالح وعده می‌دهد که اگر به دستورات و مقررات الهی به معنای واقعی ایمان آورده و به مقتضای آن، عمل صالح و شایسته به جای آورند و به کلیه اوامر و نواهی الهی در تمام عرصه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بدون مسامحه عمل نمایند و طبق مقتضیات عقل و دین با دشمنان داخلی و خارجی به جنگ و جهاد بپردازند، بدون شک خدای متعال در پرتو ایمان و جهاد فی سبیل الله، حاکمیت بر زمین را به چنین مؤمنان شایسته عطا خواهد کرد، طاغوت‌ها را به دست آنان سرنگون ساخته و بالمآل عدالت بر زندگی تمام افراد بشر، سایه‌گستر خواهد شد. سپس

رمز پیروزی و حکومت بر زمین را صبر و پایداری و تقوا می‌داند و می‌فرماید: «ای قوم از خدا یاری بجوید و صبر و پایداری (در جنگ و جهاد) پیشه سازید، چرا که زمین از آن خداست، هر کس از بندگان صالحش را که بخواهد، وارث زمین قرار می‌دهد و سرانجام نیک از متقین و پروا پیشگان می‌باشد.»

آیه مورد بحث را با توجه به این نوع آیات، مورد تحلیل قرار می‌دهیم: خداوند متعال به مؤمنانی که دارای ایمان و عمل صالح هستند، وعده می‌دهد که پیروزی سیاسی و نظامی در هر مقطعی از تاریخ در انتظار آن‌هاست، به طوری که حکومت‌های جابر را به دست آنان نابود ساخته و حکومت عدل اسلامی را جای‌گزین می‌سازد، ولی این اتفاق بزرگ نظامی و سیاسی در هیچ عصری و برای هیچ نسلی، جز با عمل به مقتضیات ایمان و جهاد همه‌جانبه زیر نظر راهنمایی‌های مدبرانه و تدبیر رهبری الهی و آگاه، امکان نداشته و قابل انجام نمی‌باشد. درست است که حضرت موسی با علم، قدرت و اعجاز به میدان مقابله فرعون آمده و نمایندگی اکثریت ملت بنی‌اسرائیل را به عهده داشته است، ولی بنی‌اسرائیلیان نیز در برابر مظالم فرعون، بی‌تفاوت نبوده‌اند، بلکه بعضی از آن‌ها جنگ‌هایی با فرعونیان داشته‌اند که نمونه‌اش درگیری سبطی با قبطی (که در قرآن از مرد سبطی تعبیر به شیعه موسی شده است و بار تشکیلاتی را می‌رساند) و دفاع موسی از سبطی که به کشته شدن قبطی منجر شد.^۴

از طرفی حضرت موسی به فرمان الهی دستور بسیج بنی‌اسرائیل را از مصر صادر کرد تا از شهر بیرون

شده و آماده نبرد با فرعونیان شوند، به طوری که خروج بنی‌اسرائیل، فرعونیان را به وحشت انداخت و گروه ضربتی را به تعقیب آن‌ها گسیل داشتند.^۵

شان نزول آیه چیست؟

شان نزول در آیات قرآن، هیچ‌گاه مضمون آن‌ها را مقید و محدود به یک قوم، زمان و مکان خاصی نمی‌کند، بلکه مضامین آیات، روشن‌گر سنت‌ها و قواعد حاکم بر تاریخ و جوامع بشری است، ارائه مصداق‌های زنده کمکی به فهم آیات می‌باشد. در هر صورت اغلب مفسران شیعه و سنی مانند: واحدی نیشابوری در «اسباب النزول»، طبرسی در «مجمع البیان»، سید قطب در «فی ظلال القرآن» و قرطبی در «الجامع لاحکام القرآن»، با مختصر تفاوتی در شان نزول آیه چنین نوشته‌اند: «هنگامی که رسول اکرم (ص) و مسلمانان مکه به مدینه هجرت کردند و انصار با آغوش باز از آنان استقبال نمودند، طوایف عرب علیه آنان به توطئه پرداختند، به گونه‌ای که مسلمانان از ترس مشرکان مکه و مدینه و دشمنانی از اهل کتاب، شبانگاهان با اسلحه می‌خوابیدند و صبحگاهان با سلاح و شمشیر آویخته از خواب برمی‌خاستند و مسلحانه نماز می‌خواندند. در واقع، شب و روز در حال آماده باش به سر می‌بردند، تا آن‌جا که ادامه این وضعیت و تحمل شرایط بحرانی برای مسلمانان طاقت‌فرسا شد. آن‌ها با خود می‌گفتند: کی و در چه زمان می‌توانیم با خیال آسوده بخوابیم و فارغ از ترس و اضطراب زندگی کنیم و به جز ذات اقدس الله از هیچ قدرتی نهراسیم و با آرامش خاطر خدای متعال را بپرستیم.» در چنین شرایطی بود که آیه نازل شد و از تحقق

حکومت الهی، رفع ترس و اضطراب و تثبیت حاکمیت دین در آینده، به صورت قطعی خبر داد. این وعده در عصر رسول اکرم (ص) به صورت مقطعی در جزیره عربستان تحقق پیدا کرد و مسلمان‌ها در اواخر عمر پیامبر به آرامش و حاکمیت و تمکین دین در آن سرزمین رسیدند.

سنت‌های الهی در آیه

با مروری دیگر بر مفهوم آیه، مدعای ما روشن‌تر خواهد شد و آن این‌که، سنت و مشیت الهی در پیروزی بر این تعلق گرفته که خداوند به مسلمان‌هایی که ایمان واقعی آورده و کارهای شایسته انجام دهند، وعده داده است که (به پاس ایمان و کارهای شایسته) آنان را خلیفه در زمین قرار دهد، همان‌گونه که پیش از آن، مؤمنان واقعی را خلیفه و حاکم بر زمین قرار داده بود، هم‌چنین وعده داده که هم‌زمان با آن، دین حق را در زندگی مؤمنان حاکم گرداند و خوف و هراس آن‌ها را به امنیت و آرامش راستین مبدل سازد تا بدون دغدغه خاطر، خدا را پرستش کنند و گرد شرک نگردند. سپس در پایان هشدار داده و به بیان سنت دیگری پرداخته است و می‌فرماید: «در صورتی که پس از تحقق وعده حاکمیت دینی، راه کفر و عصیان را پیش بگیرید، بی‌شک در جرگه فاسقان قرار خواهید داشت.»

دیدگاه مفسران اهل سنت

بدون تردید آیه شریفه دارای مضامین بسیار بلند فراقومی و فراملی است و هرگز نمی‌شود آن را به مصادیق جزئی و مقطعی محصور نمود. آیه درصدد بیان حاکمیت اسلام در سراسر جهان است. برای

روشن شدن مدعا، نظرات مفسران بزرگ اهل سنت را بررسی می‌کنیم:

۱- فخر رازی، این آیه را دلیل روشنی بر حکومت مطلقه رسول خدا (ص) در عصر حضور می‌داند و در ضمن آن، صحت و مقبولیت خلافت خلفای سه‌گانه و تداوم خلافت رسول خدا (ص) را نیز مشمول آیه می‌شمارد و عبارت: «و كما استخلف الذين من قبلهم» را به حکومت داود، یوشع بن نون و سلیمان منطبق می‌سازد،^۶ ولی به حاکمیت جهانی دین اشاره ندارد.

۲- قاضی القضاة ابی السعود، آیه را به صورت عام و کلی آورده و هیچ‌گونه اشارتی به مصادیق و افراد خاص نکرده، بلکه معتقد است این آیه دلالت بر صحت نبوت پیامبر دارد که در سال‌های آخر عمر رسول اکرم (ص) به صورت مقطعی تحقق یافت و اسلام بر جزیره العرب حاکم شد.^۷

۳- ابی محمد حسین بن مسعود فرآء بغوی از ابن عباس نقل می‌کند که مطابق این وعده، خدای متعال در آینده‌ای نه چندان دور، چنان اسلام را گسترش می‌دهد که تمام شهرها و کشورهای جهان به تصرف مسلمان‌ها درآمده و اسلام بر تمام ادیان پیروز می‌شود.^۸

۴- ابی حیان اندلسی در تفسیر «البحر المحیط» از قول ضحاک نقل می‌کند: این آیه دلالت بر خلافت خلفای (به اصطلاح) راشدین دارد، چون آنان اهل ایمان و عمل صالح بودند، به حکومت رسیدند و حکومت امام علی را نیز شامل این وعده می‌داند، اما اشاره به وعده الهی در آینده ندارد.^۹

۵- جلال الدین سیوطی در تفسیر الدر المنثور، آیه را به زمان پیامبر تطبیق می‌دهد که وعده خدا به طور مقطعی در جزیره العرب تحقق یافت، ولی نامی از حکومت خلفای راشدین به میان نمی‌آورد.

۶- قاضی ابی سعید در تفسیر بیضاوی می‌نویسد: آیه بر صحت نبوت و خلافت خلفای راشدین دلالت می‌کند، ولی توجه اصلی آن، به تحقق وعده الهی و حاکم شدن اسلام در آن زمان بر جزیره العرب معطوف می‌باشد.

۷- اسماعیل بن کثیر در «تفسیر قرآن العظیم»، ذیل آیه، روایتی می‌آورد: «دوازده تن در جامعه اسلامی به حکومت می‌رسند و آنان عادل هستند، آخر آن‌ها حضرت مهدی است»، ولی برخلاف روایات متواتر از سنی و شیعه که علی را اولین خلیفه دانسته‌اند، اسامی خلفای اربعه را هم در جرگه این دوازده نفر می‌آورد.^۱

۸- سید قطب با دید وسیع‌تری به آیه می‌نگرد و می‌گوید: این وعده الهی مخصوص مؤمنان و صالحان از امت محمد(ص) در هر عصر و زمان است. آن‌گاه یک قاعده کلی را بیان می‌کند که بیان آن خالی از لطف نیست، می‌گوید: مطابق این آیه هرگاه امت اسلامی به این دو صفت: «ایمان و عمل صالح»، متصف شوند، خدا آن‌ها را خلیفه در زمین قرار داده و دینی را که مورد رضایت الهی است، حاکم ساخته و گسترش می‌بخشد و ترس آنان را به امنیت تبدیل می‌کند. بی‌گمان، وعده الهی حق است. وی سپس به تشریح حقیقت ایمان و استخلاف پرداخته و می‌گوید: ایمان یک حقیقت گران‌سنگی است که تمام ابعاد وجودی و فعالیت‌های انسان را

درب‌گرفته، تنظیم و کنترل می‌کند. چنین ایمانی در اعماق جان مسلمانان استقرار پیدا نمی‌کند، مگر این‌که آثار خود را در جمیع عرصه‌های فردی، اجتماعی، قلبی و عملی، نشان دهند و تمام توجه و جز قصد آن‌ها بالله، فی الله و فی سبیل الله باشد و جز خدا، کسی در شئون زندگی و جهت‌گیری‌های اجتماعی آنان تأثیر نداشته باشد، این است روح اطاعت و تسلیم. در چنین شرایطی است که نه هوای نفسی در دل‌ها باقی می‌ماند و نه شهوتی در ضمیر، بلکه در تمام خاطرات قلبی، خلجان‌های روحی، حرکات فکری، سلوک اجتماعی و رابطه عملی و قلبی با خدا و خلق، انگیزه‌ای جز قرب به ذات اقدس الهی مطرح نمی‌باشد که نتیجه‌اش، تحقق حاکمیت در زمین، تمکین دین و تبدیل خوف به امنیت است.

در ادامه می‌گوید: «حقیقت حاکمیت در زمین نیز مجرد قهر، غلبه و سلطه بر مردم نیست، بلکه در چنین حاکمیتی خود مردم قیام به عدل می‌کنند و ایجاد عمران و آبادانی در زمین، تحقق عدالت اجتماعی در جوامع بشری، بالا رفتن و صعود نفوس انسان‌ها و بالاخره حاکمیت و گسترش دین در تمام شئون زندگی، به دست مردم انجام می‌گیرد و این ویژگی‌ها، از آثار حکومت الهی است: «و لها یوم ان شاء الله؛ برای تحقق چنین وعده الهی روزی است که به خواست خدا فرا خواهد رسید». سپس اضافه می‌کند: در چنین خلافت و حکومت الهی است که مسلمان‌ها از نظر علمی و اخلاقی به کمال مطلوب می‌رسند و مدینه فاضله تشکیل می‌دهند. در خاتمه، صاحب تفسیر «فی ظلال القرآن»، تحقق کامل این

وعدة الهی را در آینده‌ای نه‌چندان دور می‌داند. سپس به بیان شأن نزول آیه به روایت راویان می‌پردازد و از آنان نقل می‌کند که مطابق این وعده، خدای متعال رسول اکرم را بر جزیره العرب حاکم قرار داد، مردم آن سامان همگی ایمان آوردند و مسلمانان اسلحه را به زمین گذاشته و در امنیت قرار گرفتند.^{۱۱}

۹- محمد بن جریر طبری پس از شرح مختصری درباره آیه مذکور، وعده الهی را مشروط به ایمان و اطاعت از خدا و رسول در اوامر و نواهی می‌داند که اگر چنین کردید خدا شما را وارث سرزمین عرب و عجم و مشرکین قرار داده و شما را پادشاهان و فرمانروایان آنان می‌گرداند همان‌گونه که بنی اسرائیل را وارث حکومت فرعون و قبطیان قرار داد، سپس می‌فرماید: «خداوند مطابق این وعده، پیامبر(ص) را پس از این که ده سال در ناامنی و خوف به سر می‌برد و خدا را مخفیانه و آشکارا عبادت می‌کرد، بر جزیره العرب مسلط نمود و مسلمانان را در امنیت قرار داد، ولی چون پس از پیامبر(ص) بعضی از اصحاب، ستم‌گری و تکبر را پیشه خود ساختند، خداوند متعال نعمت امنیت و تمکین واقعی دین را از آنان سلب نمود و دوباره به ترس و خوف مبتلا شدند.»^{۱۲}

۱۰- مفسر گران‌قدر القرطبی، نخست این موضوع را مطرح کرده که خداوند متعال به آن چه وعده داده وفا کرده و می‌کند. این وعده‌ها گاهی به زبان جزئی است، مانند: وعده پیروزی نظامی به پیامبر(ص) و اخراج کسانی که آن حضرت را از مکه اخراج کردند و یا به زبان کلی، مانند: وعده غلبه دین

رسول خدا(ص) بر تمام ادیان.^{۱۳} آیه ۵۵ سوره نور نیز از سنخ همین آیات است. تمام این‌ها از نوع اخبار غیبی است که جز خدای متعال، کسی از آن‌ها آگاه نمی‌باشد.

سپس می‌گوید: اما آیه «وعدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض...»^{۱۴} اشاره به وجوب نصب امام بر امت دارد تا در سایه آن امام و رهبر مطاع، خلافت در زمین تحقق پیدا کند و امنیت حاصل گردد و دین و احکام اسلام بر تمام شئون زندگی حاکم شود. دلیل ما، قول خدای متعال درباره حضرت آدم است: «انی جاعل فی الارض خلیفة»^{۱۵} و هم‌چنین کلام خدا «جعلناکم خلائف فی الارض»^{۱۶} و نیز آیه ۵۵ سوره نور. پس از طرح این نوع مسائل، صاحب تفسیر القرطبی، مسئله را به سمت خلافت و حاکمیت اسلام و مسلمین بر زمین می‌کشاند ولی، عصر خلفا را از مصادیق آیه نمی‌آورد و این وعده‌های غیبی را از معجزات قرآنی می‌شمارد که چگونه از وضع آینده خبر می‌دهند و تحقق حکومت مؤمنان در آینده را بازگو می‌سازد.^{۱۷}

۱۱- الزرکشی در تفسیر البرهان این آیه را فقط از نظر ادبی بررسی می‌کند که جمله «لیستخلفنهم» به مفعول دوم متعدی شده است و این آیه را وعده الهی در طول تاریخ می‌داند؛ مانند «الم یعدکم ربکم وعداً حسناً»^{۱۸} یا «و اذ یعدکم الله احدی الطائفین انها لکم»^{۱۹} که به مفعول دوم متعدی شده‌اند و بی‌شک وعده الهی در عصر حاکمیت رسول خدا محقق گردید.

۱۲- جلال‌الدین سیوطی به احادیثی در شأن نزول آیه می‌پردازد و می‌گوید: پیغمبر و یارانش

قریب ده سال خدا را در مکه به صورت مخفیانه عبادت می‌کردند و از ترس مشرکان، اسلحه را از خود دور نمی‌کردند. پیامبر(ص) فرمود: چرا تغییر وضعیت نمی‌دهید، اگر مختصری از نظر روحی تغییر کنید و هر کدام بدون ترس در ملاً عام، آرام بنشینید، اوضاع بهتر می‌شود. سپس این آیه (وعد الله ... نازل شد و حکومت رسول خدا تثبیت گردید و اضطراب رفت و امنیت آمد. ایشان از ابی بن کعب نقل کرده است که پیغمبر فرمود: «بَشْرَ هَذِهِ الْأَمَّةِ بِالسَّنَاءِ وَ الرَّفْعَةِ فِي الدِّينِ وَ النَّصْرِ وَ التَّمَكِينِ فِي الْأَرْضِ»، در این آیه به این امت، عزت و رفعت در دین و پیروزی و حکومت در زمین بشارت داده شد»، «فمن عمل منهم عمل الآخرة للدين لم يكن له في الآخرة من نصيب؛ هر کس از امت کار آخرت را برای آبادی دنیایش انجام دهد، در قیامت نصیب و بهره‌ای نخواهد داشت». در این تفسیر نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای به حکومت خلفای راشدین نکرده است.^{۲۰}

۱۳- ثعالبی نیز در تفسیرش بعد از نقل آیه می‌گوید: آیه، وعده‌ای است به امت پیامبر که آنان را بر کشورها و ملت‌ها مسلط خواهد کرد؛ همان‌گونه که واقعیت خارجی، آن را نشان می‌دهد. در نهایت می‌فرماید: «والصحيح في الآية انها في استخلاف الجمهور؛^{۲۱} قول درست آن است که آیه، مربوط به خلافت و حاکمیت جمهور مسلمان‌هاست»؛ یعنی در هر مقطعی که ایمان و عمل صالح را محور زندگی قرار دهند، وعده خلافت بر زمین عینیت پیدا می‌کند.

۱۴- عبدالله بن احمد بن محمود نسفی بر خلاف تمام مفسران سنی و شیعه، این آیه و حتی جمله

«كما استخلف الذين من قبلکم» را به خلافت ابوبکر تفسیر کرده است، در صورتی که حکومت خلفا پس از پیامبر اکرم تحقق یافته و این فراز از آیه شاهی است برای حکومت‌های پیش از اسلام چراکه تمام مفسران، این بخش از آیه را مربوط به استخلاف پیشین قوم داود، سلیمان، حضرت موسی و بنی اسرائیل می‌دانند. از همه عجیب‌تر یکی از نویسندگان اهل سنت، از تفسیر نسفی سواستفاده کرده و طرّه‌اتی به هم بافته و آیه را تنها دلیل بر صحت خلافت ابوبکر تلقی کرده است و می‌گوید: این آیه روشن‌ترین و صادق‌ترین دلیل بر مشروعیت خلافت ابوبکر می‌باشد، بلکه می‌توان بر صحت خلافت عمر و عثمان هم استدلال کرد، زیرا خداوند پس از رحلت پیغمبر این نوع خلافت و قدرت را برای این سه خلیفه عینیت بخشید. نظریه‌پرداز مذکور حکومت حضرت علی را شامل این آیه نمی‌شمارد و آیه را به حکومت تمام اصحاب، به‌جز امام علی(ع) نسبت داده است. متأسفانه تعصب و جهل از کلمات او می‌بارد، چون برای اثبات این مدعا هیچ دلیلی اقامه نکرده است. ارزش پاسخ ندارد، نقل قول اکثر مفسران، بی‌پایه بودن مدعای وی و نسفی را روشن می‌سازد.

۱۵- حاکم حسانی در شواهد التنزیل از حنش نقل کرده که حضرت علی فرمود: «سوگند به خدایی که هسته را در زمین شکافته و روح را به وجود آورده و قرآن را بر رسول خدا به راستی و براساس عدالت نازل کرده است، این آیه قطعاً در آینده به سوی شما مسلمان‌ها معطوف شده و مضمون آن؛ یعنی حکومت جهانی، تحقق پیدا خواهد کرد.»^{۲۲}

بنابراین، دیدگاه مفسران اهل سنت کاملاً مختلف است و بیش تر آنها به حکومت پیامبر اکرم(ص) و اندکی از آنان حکومت خلفای راشدین را هم افزوده‌اند. غالب مفسران اسلامی از شیعه و سنی، هیچ مصداقی برای آیه مشخص نکرده‌اند و تحقق مفاد آیه مذکور را به آینده حکومت اسلامی در آخرالزمان موکول کرده‌اند و گروهی دیگر بر این باورند که آیه درصدد بیان یک قاعده کلی و سنت تاریخی است؛ به این معنا که اگر جوامع اسلامی راه ایمان و عمل صالح را به معنای واقعی در پیش گیرند و مجموعه دین را در زندگی فردی و اجتماعی حاکم قرار دهند، بدون تردید زمینه‌های پیروزی سیاسی، فرهنگی، نظامی و اقتصادی آنها در هر زمان و مکانی که باشند (گرچه به صورت مقطعی هم باشد)، فراهم می‌گردد.

نگارنده بر این باور است که مضمون آیه، مقاطع مختلفی از حیات مسلمانان را دربر می‌گیرد و مصداق اتم و اکمل آن در عصر ظهور امام زمان است، اما در این که حکومت رسول خدا(ص) در اواخر عمرش، یکی از مصادیق بارز و مقطعی وعده الهی در این آیه است جای تردید نیست، زیرا در محدوده جزیره العرب حکومت پیامبر اکرم(ص) تحقق یافت و مسلمانان بر دشمنان پیروز شدند و اضطراب و ترس، ولو به صورت نسبی از میان رفت و مقررات اسلام در همه جا اجرا گردید و حکومت بی‌سابقه و بزرگی برای رسول خدا محقق شد.

روز بزرگ گرچه جهان کم ندیده است

روزی چو روز حضرت خاتم ندیده است

عزم رسول سگّه دولت عظیم زد

در ملتی که دولت معظم ندیده است

دست رسول پرچم توحید بر فراشت

در امتی که دست به پرچم ندیده است

لیکن با کمال تأسف مسلمان‌های صدر اسلام بعد از رسول اکرم(ص) حاکمیت و تمکین دین و امنیت راستین را از دست دادند و همان‌گونه که در حدیث نبوی بازگو شده بود (که پس از من فتنه‌های زیادی به وجود می‌آید) اختلاف‌ها و اضطراب‌ها آغاز شد و خلافت از مسیر صحیح منحرف شد. حضرت علی(ع) و هوادارانش به دلیل مصالح اسلام و مسلمانان در برابر غصب خلافت ساکت شدند و در سقیفه بنی ساعده(که برای تعیین خلیفه تشکیل شده بود)، جمعی از اصحاب حل‌و عقد حضور پیدا نکردند و همین اختلافات به قتل خلیفه دوم و سوم منتهی گردید. در عصر عثمان هم تبعیض و فساد به قدری بالا گرفت که ام المؤمنین، عایشه، به خلیفه سوم اعتراض کرد و سرانجام جمع کثیری به خانه عثمان هجوم آوردند و او را کشتند. با این حساب چگونه می‌توان زمان عثمان را از مصادیق تحقق وعده الهی به شمار آورد، ولی خلافت امام علی(ع) را نادیده گرفت. اگر مجرد جنگ داخلی باعث عدم حاکمیت دین باشد، در زمان عثمان وضع بدتر بود و پس از رحلت رسول اکرم(ص) نیز آرامش قابل قبولی نبود، در ضمن خلافت ابوبکر هم به‌سادگی اتفاق نیفتاد، بلکه برای تثبیت حکومت ابوبکر عده زیادی تبعید و در فشار قرار گرفتند و بعضاً به‌وسیله

جنيان كشته شدند^{۳۳} و به خصوص اهل بيت رسول خدا(ص) را مورد هجمه قرار گرفته و مخالفان خلافت خليفه اول كه در خانه حضرت فاطمه(س) تحصن كرده بودند به دستور ابوبكر، عمر بن خطاب و گروهی مأمور شدند تا تحصن آن‌ها را بشكنند.^{۳۴} بنا بر اين نتيجه می‌گيريم فتنه‌ها و اختلافات داخلی و نقش منافقين در ايجاد شكاف باعث شد كه مسلمان‌ها از حكومت دين و نعمت امنيت، اتحاد و برادری فاصله بگیرند و به انتظار حكومت جهانی حضرت مهدی بنشينند تا دين به معنای واقعی تثبيت شود و آن‌ها بتوانند خدا را آن‌گونه كه بایسته است، عبادت نمایند و از هرگونه شرك و هواپرستی آزاد شوند.

دیدگاه مفسران شیعه

اما مفسران شیعه به پیروی از اهل بیت پیغمبر، به اتفاق كلمه و با همراهی جمعی از دانشمندان اهل سنت، مصداق اتم و اكمل مضمون آیه را به آینده جهان و ظهور حضرت مهدی(عج) در آخرالزمان، تفسیر نموده‌اند.^{۳۵}

۱- دیدگاه علامه طبرسی: مفسر كبير، صاحب تفسیر مجمع‌البیان، آیه را چنین تفسیر می‌كند: خداوند به کسانی كه او و رسولش را در آن‌چه تصدیق قولی و عملی آن واجب است، اطاعت كرده و عمل خالص و مناسب با زمان برای خدا انجام داده و می‌دهند، وعده داده است آنان را خليفه روی زمین قرار خواهد داد؛ یعنی آنان وارث سرزمین كفار از عرب و عجم خواهند شد و بر همه جا حكومت خواهند كرد. آن‌گاه از مقاتل نقل می‌كند كه مقصود، قوم بنی اسرائیل است كه خداوند فراعنه مصر را هلاك كرد و زمينه

فراهم شد تا قوم بنی اسرائیل سرزمین و دیار آن‌ها را گرفتند و بر سرنوشت خویش حاكم و به جای آنان ساكن شدند.

به نظر ایشان مقصود از عبارت: «و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضى لهم»،^{۳۶} تمكين دين و غلبه دين اسلام بر تمام ادیان موجود است، چنان كه در مجامع حدیثی اهل سنت هم آمده است كه رسول اسلام(ص) فرموده است: «زويت لی الارض فأريت مشارقها و مغاربها و سبيلغ ملك امتی ما زوی لی منها؛^{۳۷} زمین برای من جمع شد، پس مشارق و مغارب آن به من نشان داده شد و به زودی قدرت امت من در همه جا گسترش می‌یابد، همان‌گونه كه برای من زمین جمع شد.»

صاحب تفسیر مجمع‌البیان از مقاتل نقل می‌كند: خداوند این وعده را به مسلمان‌های مكه(كه در محاصره بودند) داده بود كه طبق این وعده آن‌ها پیروز گردیده و در مكه مستقر شدند.

قریب به همین مضمون در كتاب‌های اهل سنت و تشیع، احادیث زیادی آمده است كه صرف نظر می‌شود. مضاف بر این، عنوان «خليفة الله»، در احادیث اهل سنت و شیعه در خصوص حضرت مهدی نیز آمده است: «يخرج المهدي و على رأسه غمامة فيها مناد ينادي هذا المهدي خليفة الله فاتبعوه؛^{۳۸} حضرت مهدی قیام می‌كند و بر سرش ابری در حرکت است و زیر سایه آن قرار می‌گیرد. منادی از میان ابر فریاد می‌زند: این مهدی، خليفه خداست، پس از وی پیروی كنید.»

مرحوم طبرسی مانند برخی از مفسران اهل سنت چنین نتیجه‌گیری می‌كند: مصداق اتم و اكمل آیه:

«وعدالله الذین آمنوا و عملوا الصالحات»، پیامبر و اهل بیت آن حضرت می‌باشند و آیه حامل یک مژده برای اهل بیت پیامبر و پیروان راستین اسلام است که به زودی خلافت روی زمین را متصرف می‌شوند و قدرت دین در تمام بلاد گسترش می‌یابد و خوف و هراس به کلی برطرف خواهد شد و عینیت آن در زمان ظهور حضرت مهدی است: «كما استخلف الذین من قبلهم»^{۲۹} همان‌گونه که صالحان و مؤمنان راستین پیش از ایشان به خلافت رسیدند».

نکته جالب توجه این است که جعل خلافت از ناحیه خداوند متعال صورت گرفته است و چنانچه پیامبرانی چون: آدم، داود، سلیمان، آل ابراهیم و ... از ناحیه خداوند به خلافت منصوب شده‌اند و از طرف مردم مورد پذیرش قرار گرفته‌اند، امامان معصوم هم بر این تفسیر اجماع کرده‌اند و اتفاق نظر آن‌ها برای همه مسلمان‌ها حجت و سند است، چرا که همگی قبول دارند، رسول اکرم(ص) در موارد بسیاری به‌ویژه در حجة الوداع فرموده است: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»^{۳۰} حکمت سفارش پیغمبر پیروی از کتاب و گفتار ائمه دین است که غالباً از پیامبر روایت کرده‌اند. از سوی دیگر، تمکین و غلبه دین اسلام بر سایر مذاهب، اکنون اتفاق نیفتاده است. تمکین نسبی و مقطعی غیر از حاکمیت جهانی است که در این آیه وعده داده شده است.

۲ - دیدگاه علامه طباطبایی: فیلسوف و مفسر کبیر، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌فرماید: مفسران اسلامی در تفسیر این آیه به شدت اختلاف کرده‌اند؛ بعضی آن را مربوط به زمان پیغمبر و

اصحابش می‌دانند که خداوند متعال در آن عصر و در مقطع محدودی، وعده خود را منجز ساخت و آنان را خلیفه در زمین قرار داد و مقررات دین را بر سرنوشت مردم حاکم نمود و ترس و اضطراب را به آرامش و امنیت مبدل ساخت. برخی دیگر گفته‌اند: آیه مربوط به عموم مسلمان‌هاست و نویدی است برای جامعه مؤمن و صالح که حکومت را در میان آنان قرار می‌دهد، چنان‌که پس از رحلت رسول اکرم، وعده خود را محقق ساخت و دین را بر سرزمین عربستان حاکم نمود و دشمنان مسلمین شکست خوردند و سپاه اسلام بسیاری از کشورها را فتح کرد و پرچم اسلام را در دنیا به اهتزاز درآورد.

این نوع آیات از یک مشیت کلی الهی و سنت تاریخ اسلامی حکایت دارد که در هر زمان و مکان، اگر جامعه و کشوری به راستی مؤمن و صالح شدند، حاکمیت زمین به آنان می‌رسد و دین، قدرت خود را گسترش داده و امنیت جای‌گزین ناامنی خواهد شد. این وعده، شامل بعضی از ملل اسلامی می‌شود نه همه آن‌ها. ملت مسلمان اگر فاسق، منافق و فاسد باشند، محکوم به شکست می‌شوند، چنان‌که جامعه اسلامی وقتی صالح و مؤمن بودند، اسپانیا را گرفتند و سالیان متمادی بر آن حکومت کردند، اما وقتی فاسد شدند، رومیان حمله بردند و مسلمانان را قتل‌عام نمودند. در هر حال آیه ۵۵ سوره نور درصدد بیان یک قاعده کلی است و قرینه‌ای در کار نیست که مصداق آن تنها پیغمبر یا اصحاب و یا ائمه اهل بیت باشند، بلکه مقصود این است که جامعه مؤمن و صالح هرگاه ایمان و شایستگی همه جانبه یافتند، بر سرنوشت خویش حاکم می‌شوند، اما

مقصود از جمله: «و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم»، استوار شدن دین بر ارکانش می‌باشد، به گونه‌ای قواعد دین استحکام پیدا می‌کند که اختلافات داخلی باعث تزلزل مردم در اصول نخواهد شد؛ هم‌چنان که موجب تساهل در اجرای احکام و عمل به فروع دین نیز نمی‌شود، چرا که این مجتمع صالح اسلامی از نفاق و فساد پیراسته است و هدف از تبدیل ترس به آرامش، گسترش امنیت و اسلام در اجتماع آن‌هاست، به طوری که نه دشمنان داخلی می‌توانند امنیت آن‌ها را تهدید کنند و نه دشمنان خارجی.^{۳۱}

سپس علامه طباطبایی به آیه هفتم سوره اسرا اشاره می‌کند: «فأذا جاء وعد الآخرة ليسوا وجوهكم»^{۳۲} و می‌فرماید: وعده داده شده‌ها در زمان نزول آیه زندگی نکرده‌اند و مربوط به گروهی از بنی اسرائیل است. شبیه این وعده در گفتار ذوالقرنین نیز وجود دارد: «فأذا جاء وعد ربی جعله دكاء وكان وعد ربی حقاً»^{۳۳} وعده خداوند درباره قیامت هم وعده صادقی است و این گونه وعده‌ها در آینده محقق خواهد شد، به همین دلیل معنای واقعی آیه، بر اجتماع زمان حضرت مهدی منطبق می‌شود، مانند آیه: «و نرید ان نمین علی الذین استضعفوا فی الارض...»^{۳۴} که مصداق کامل آن، عصر حاکمیت امام مهدی (عج) است، زیرا شرایط یک مجتمع صالح و ایمانی که از هر گونه شرکی پیراسته باشند و غیر او را پرستش و بندگی نکنند، جز در زمان قائم آل محمد (عج) تحقق پیدا نمی‌کند. به همین دلیل روایات اسلامی به خصوص روایات اهل بیت (علیهم السلام)، آیه را به عصر ظهور حضرت مهدی تطبیق داده‌اند.

۳- تفسیر امام راحل (ره): حضرت امام (ره) انقلاب اسلامی ایران را یکی از مصادیق بارز آیه شریفه (وعد الله الذین ...) می‌داند و می‌فرماید: یک جهت در این آیه شریفه که به ذات مقدس الهی مربوط می‌گردد، تحقق پیدا کرد؛ نهضت به پیروزی رسید و خوف‌های ملت ما به ایمنی تبدیل شد. قبلاً ملت ما از قوای انتظامی و از سازمان امنیت، از شهرداری و شهربانی‌ها، از دستگاه جبار خوف داشتند. خداوند تبارک و تعالی این خوف را به ایمنی تبدیل کرد. هم اکنون ما با کمال امنیت خاطر، زندگی می‌کنیم. ما باید این پیروزی را از خدا بدانیم. ما قدرتی نداشتیم، تشکیلاتی در کار نبود، مردم متفرقی بودیم، هر کس مشغول کار خود بود، همگی گرفتار دست جبارها بودیم؛ آن قدرتی که ما را مجتمع کرد، آن که دل‌های ما را یک جهت ساخت، آن که همه مقاصد و آرمان‌های ما را در یک مقصد و آرمان خلاصه نمود، خدای متعال بود. هیچ بشری نمی‌تواند یک چنین نهضتی ایجاد کند، نهضتی که اغراض مختلف، گروه‌های مختلف را به هدف واحد و جامعه متحد برگرداند. تمام قوا در این مملکت دست به دست هم دادند تا در دل‌ها و آرمان‌ها تحول ایجاد کنند، به طوری که قوای نظامی و انتظامی گروه گروه به ملت و نهضت پیوستند و گرنه صد تا از این طیاره‌ها که از آمریکا خریده بودند، می‌آمدند بالای سر من و شما بمباران می‌کردند، ما نابود می‌شدیم و قدرت دفاع نداشتیم.»

و آن جهتی که مربوط به ماست، می‌فرماید: «یعبدوننی و لا یشرکون بی شیئاً»، وقتی ملت قدرت خدا را دیدند، باید فقط خدا را پرستند و احدی را

شریک و انباز او قرار ندهند، نه قدرت‌های حاکم و نه نفس اماره و شیاطین. باید همه چیز را از او بدانیم و تمام توجه ما به سوی خدا باشد، شرک به خدا نورزیم، نه در ساحت عبادت و نه در امور دیگر.

۴- در نگاه شهید مطهری(ره): علامه شهید مطهری در آثار سازنده خود پیرامون بحث مهدویت، این آیه را مطرح کرده است:

الف- زیر عنوان «انتظار ویران‌گر و سازنده» می‌فرماید: «برداشت گروهی از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود، ماهیت انفجاری دارد که در پی اشاعه فساد و رواج ظلم و تبعیض و حق‌کشی و اختناق پیدا می‌شود. آن‌گاه که صلاح و فلاح به نقطه صفر برسد و حق و حقیقت حامی نداشته باشد و باطل یکه‌تاز میدان گردد، در چنین شرایطی این انفجار رخ می‌دهد و دست غیبی برای نجات حقیقت (نه اهل حق) از آستین بیرون می‌آید. این برداشت یک برداشت شبه دیالکتیکی است. طرفداران مارکسیسم با این اصلاحات موافق هستند تا تضادها تشدید گردد و انفجاری رخ دهد که ما آن را انتظار ویران‌گر می‌نامیم، چون منجر به یک نوع تعطیلی در احکام و ترویج اباحه‌گری است.

اما انتظار سازنده درست در قطب مقابل برداشت فوق است. آن‌چه از آیات و روایات استفاده می‌شود ظهور حضرت مهدی موعود، حلقه‌ای است از حلقه‌های مبارزه اهل حق با اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منجر می‌شود و هر کس در این راستا حرکت کند، عملاً در جرگه اهل حق خواهد بود. آیاتی که به آن‌ها و روایات استناد کرده‌اند، نشان می‌دهد که مهدی موعود، مظهر مژده

و نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است؛ چنان‌که آیه ۵۵ سوره نور بر این معنا دلالت دارد و هم‌چنین ظهور مهدی موعود(عج) منتهی است بر مستضعفان روی زمین و مقدمه‌ای است برای رهبری آنان: «و نرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین». و این حقیقت در کهن‌ترین کتاب‌های آسمانی مانند زبور داود نیز ذکر شده است: «و ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین.»

ب - در کتاب انسان و سرنوشت زیر عنوان «نظامات لایتغیر جهان» می‌نویسد: «موجودات طبیعت همواره در حال تغییر و تحول می‌باشند، لکن نظامات و قوانین طبیعت، ثابت و لایتغیرند. قرآن کریم از نظامات ثابت به «سنت الهی» تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «سنه الله فی الذین خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلاً». سنت الهی تغییر پذیر نمی‌باشد. حاکمیت نهایی تقوای پشاهان و صالحان از سنن لایتغیر الهی است که در سوره‌های انبیا، آیه ۱۰۵ و اعراف، آیه ۱۲۸ آمده است و این‌که تا مردم خود خلاقیت به خرج ندهند و در اوضاع و احوال خود تغییر ندهند، خداوند اوضاع و احوال عمومی آن‌ها را تغییر نخواهد داد، این نیز از سنت‌های الهی است، چنان‌که اگر طبقات مرفه فسق و فجور و شهوت‌رانی به‌راه بیندازند و جامعه را به‌سوی فساد و تباهی بکشانند، سرانجام نابود می‌شوند؛ این هم یک سنت الهی است: «و اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترفها ففسقوا فیها فحق علیها القول فدمرناها تدمیراً». در قطب مخالف، اگر مردمی به ایمان مجهز باشند و عمل شایسته انجام دهند، در میدان تنازع بقاء، گوی سبقت

را ربوده خلافت زمین در اختیار آن‌ها قرار خواهد گرفت. این هم یک سنت قطعی و اجتناب ناپذیر الهی است. قرآن در سوره نور آیه ۵۵ این حقیقت را بیان داشته است.^{۳۵}

شیخ ابوالفتوح رازی مفسر و ادیب معروف می‌نویسد: درباره این که مقصود از آیه چه کسانی هستند، دو قول است:

۱- جماعتی گفتند: مراد، تمام امت مصطفی می‌باشد، چرا که خدای متعال آنان را خلیفه و جانشین امت‌های گذشته کرده است؛ چنان که می‌فرماید: «جعلناکم خلائف فی الارض»^{۳۶} خلیفه، جای‌گزین افراد گذشته است و باید جای آنان بنشینند و قائم مقام آن‌ها باشد.

۲- بعضی دیگر گفته‌اند: مراد، صحابه رسول خداست که بعد از وی خلافت کردند. ولی مصداق کامل آن آخرین فرزند رسول خداست که امام علی و رسول اسلام از قیام او در آخرالزمان خبر داده‌اند و او را مهدی خوانده و امت اسلامی بر ظهور و قیام او اجماع دارند.

قول اول، گرچه قریب به ذهن است، ولی با ظاهر آیه تناسب ندارد، چرا که خدا وعده و نوید بزرگی داده است و معمولاً وعده در جایی است که هنوز فعلیت پیدا نکرده باشد در صورتی که اگر مقصود، حکومت اسلام باشد، یک امر فعلی و نقد است که در عصر رسول خدا(ص) بوده است. پس نسبت به آینده صدق نمی‌کند. وانگهی، خداوند ملک و قدرت و شرایع دین را با آمدن اسلام منسوخ نمود و حاکمیت جزیره العرب را از مشرکان و صننادید قریش گرفت و به رسول الله عطا کرد. گذشته از

این، تمکین دینی که مورد رضای حق تعالی است، فقط مطلوب می‌باشد، پس معلوم می‌شود هنوز جامعه اسلامی به آن مرتبه نرسیده است و گرنه مشروط به رضایت نمی‌کرد. گرچه در عصر رسول اکرم(ص) خلافت بلافضل امام علی(ع) پذیرفته شد، ولی بعد از رحلت پیامبر، امام علی را به بهانه‌های مختلف از صحنه سیاسی حذف کردند و خوف و ترس مؤمنان به «امنیت» به مفهوم واقعی آن تبدیل نشد، چراکه پس از پیامبر جمعی با قهر و غلبه و ترس، خلافت ابوبکر را پذیرفتند، ضمن این که جمله: «یعبدوننی و لا یشرکون بی شیئاً» نیز به مفهوم واقعی حاصل نشده بود.^{۳۷} پس مصداق راستین و جهانی آیه، مربوط به آینده و ظهور حضرت مهدی(عج) است.^{۳۸}

اما دین مورد رضایت حضرت باری تعالی همان آیه‌ای است که در غدیرخم با نصب خلافت امام علی(ع) نازل گردید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً؛ امروز دینتان را تکمیل نمودم و نعمت را بر شما تمام کردم و اسلام را در این شکل قالب به عنوان دین رضایت دارم»؛ یعنی اسلامی که علی مرتضی خلیفه آن باشد، مورد رضایت است. چنانچه بسیاری از مفسران و بزرگان اهل سنت هم آن را تأیید کرده‌اند^{۳۹} که به چند نمونه اکتفا می‌شود:

(۱) روایتی را اهل سنت نقل کرده‌اند که: یک روز مرد یهودی نزد خلیفه دوم آمد و گفت: در کتاب شما آیه‌ای است که اگر در دین ما بود، ما روز نزول آن را عید قرار می‌دادیم. عمر گفت: آن روز را می‌شناسیم و آن، روز عرفه و جمعه بوده است.^{۴۰}

جالب آن که خلیفه در جواب تنها درصدد مشخص نمودن روز نزول آیه برآمد، لیکن دربارهٔ عید بودن آن سکوت کرد، البته با سکوتش به صورت ضمنی تأیید نمود. در تفسیر خازن و لب الالباب فی علوم الکتاب چنین آمده است: «اشار عمر الی ذلک الیوم، یوم عیدنا»،^{۴۱} با وجود اقوال بسیاری از عالمان اهل سنت و اعتراف آنان به این که آیه: «الیوم اکملت لکم دینکم»، در روز غدیر خم نازل شده است و خلیفهٔ دوم نیز در پاسخ یهودی گفت: ما هم آن روز را روز عید می‌دانیم، مدعای شیعه موضوع تثبیت می‌شود. جالب آن که یهودی همین مسئله را از ابن عباس پرسید. ایشان نیز همین پاسخ را داد.^{۴۲}

۲) سیوطی در الدرالمنثور ذیل آیهٔ اکمال دین در سورهٔ مائده، از ابن مردویه و ابن عساکر نقل می‌کند که هر دو از ابی سعید خدری روایت کرده‌اند که گفت: هنگامی که رسول خدا در روز غدیر حضرت علی را نصب کرد و به ولایت او ندا در داد، این آیه نازل شد: «الیوم اکملت لکم دینکم».^{۴۳} صاحب درالمنثور همین حدیث را از ابی هریره نیز نقل کرده که گفت: چون روز غدیر خم (هجدهم ذی الحجه) فرا رسید، رسول خدا فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»، سپس خدای متعال آیهٔ اکمال دین را نازل نمود.^{۴۴}

۳) خطیب بغدادی نیز در تاریخ خود از ابی هریره روایت کرده، هر کس روز هیجدهم ذی الحجه را روزه بگیرد، ثواب شصت ماه روزه برایش می‌نویسند و این روز، روز غدیر خم است که رسول خدا دست علی بن ابی‌طالب را گرفت و فرمود: «أیا من ولی مؤمنان نبودم؟» گفتند: بلی یا رسول الله. فرمود:

«پس هر که من مولای او بودم، علی مولای اوست.» پس عمر بن خطاب گفت: بخ بخ یک یابن ابیطالب؛ گوارایت باد ای پسر ابی‌طالب، که مولای من و مولای هر مسلمان شدی، سپس خدای متعال آیهٔ اکمال را فرستاد.^{۴۵}

از مجموع احادیث شیعه و سنی مفهوم می‌شود، دین مورد رضایت حضرت الله طبق آیهٔ ۵۵ سورهٔ نور و آیهٔ ۳ سورهٔ مائده، آن دینی است که امام علی(ع) خلیفهٔ بلافصل آن باشد و بس. آری خلافت علی مرتضی(ع) مورد عنایت باری تعالی است و همین اسلام مرتضوی، یک روزی به دست حضرت مهدی(عج) حاکم خواهد شد. (ان شاء الله)

هدف نهایی حکومت دینی

در حکومت‌های مادی، هدف نهایی، تأمین عالی‌ترین درجات رفاه و فراهم کردن زندگی مرفه و یکسان برای مردم است. جامعهٔ برین از نظر دنیای کنونی، جامعه‌ای است که افراد آن به رفاه مادی و امنیت داخلی دست پیدا کنند و از نظر سیاسی، دموکراسی بر آن‌ها حکومت کند، اما حکومت دینی هدفش گذشته از امنیت و رفاه مادی و آزادی‌های مشروع، رسیدن به عبودیت خالص دور از هرگونه شرک و اسارت است، چرا که در پایان آیه می‌فرماید: «یعبدوننی و لا یشرکون بی شیئاً».^{۴۶} این جمله خواه حال باشد و یا آینده، مفهومی است که هدف از تمکین دین و به دست آوردن حکومت و امنیت برای این است که همگی مرا پرستش کنید و به هیچ شکلی و دلیلی شرک نوزید، (خواه شرک خفی باشد و یا شرک جلی، شرک سیاسی و ظاهری و یا شرک اخلاقی و عملی). امروز اگر زمامداران اسلامی

برای مصالح امت‌های مسلمان، به سردمداران کفر و استکبار، احترام می‌گذارند، به آنان دست می‌دهند و پشت میز مذاکره قرار می‌گیرند و تفاهم نامه‌هایی امضا می‌کنند، چنین حرکاتی بی‌گمان از نوع شرک سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و رفتاری است، لیکن برای اداره کشور، خروج از انزوا و اضطرار و تأمین حواجی ملت، ضرورت دارد و فقها گفته‌اند: «الضرورات تبیح المحذورات؛ ضرورت‌ها باعث حلال شدن مقطعی برخی از محرمات می‌شود»، چرا که در زندگی اجتماعی و سیاسی نیز عسر و حرج پیدا می‌شود و قطع روابط با دنیا، باعث نارضایتی مردم مسلمان خواهد شد و جامعه اسلامی گرفتار اضطرار شده و در تنگناهای اقتصادی قرار خواهند گرفت که تحمل آن بسیار مشکل است. ولی اگر حاکمیت دین در تمام دنیا تثبیت شود، مؤمنان فقط در برابر خدا خضوع و عبادت خواهند کرد و به هیچ قیمتی در برابر عوامل استکباری مثل روسیه و آمریکا خضوع نکرده و حتی سردمداران اسلامی با کافران مصادفحه هم نخواهند کرد، چرا که دست دادن‌ها، امضای قراردادهای و خضوع‌های ظاهری همه از نوع شرک سیاسی محسوب می‌شود که تنها به هنگام اضطرار مباح خواهد بود. البته در عصر حضرت مهدی (عج) تمام زمامداران جهان سرنگون و نابود خواهند شد.

* * *

● پی‌نوشت‌ها:

۱. نور (۲۴) آیه ۵۵.
۲. اعراف (۷) آیه ۱۳۷.
۳. اعراف (۷) آیه ۱۲۸.

۴. فوجد فيها رجلین یقتلان هذا من شیعته و هذا من عدوه (قصص ۲۸) آیه ۱۵) شیعه موسی پناه به موسی می‌آورد او هم با مشت بر سر او وارد کرد.
۵. در آیات ۵۲ و ۵۹ این مسئله بیان شده است.
۶. تفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۳ - ۲۷.
۷. تفسیر ابی‌السعود محمد بن محمد العمادی، ج ۶، ص ۱۹۰.
۸. معالم التنزیل، ج ۴، ص ۲۱۵.
۹. تفسیر بیضاوی، ج ۲، ص ۵۰۵.
۱۰. تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.
۱۱. فی ظلال القرآن، ج ۴، ص ۱۸.
۱۲. جامع البیان، ج ۱۸، ص ۲۱۱.
۱۳. توبه (۹) آیه ۳۳؛ فتح (۴۸) آیه ۲۸؛ صف (۶۱) آیه ۹.
۱۴. نور (۲۴) آیه ۵۵.
۱۵. بقره (۲) آیه ۳۰.
۱۶. یونس (۱۰) آیه ۱۴.
۱۷. تفسیر القرطبی، ج ۱، ص ۷۴ و ۲۶۴.
۱۸. طه (۲۰) آیه ۸۶.
۱۹. انفال (۶) آیه ۷.
۲۰. الدر المثور، ج ۵، ص ۵۵.
۲۱. تفسیر الثعالبی، ج ۴، ص ۱۹۵.
۲۲. شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۱۲.
۲۳. شرح ابن ابی‌الحدید معتزلی، ج ۱۰، ص ۱۱۱ می‌نویسد: سعد بن عباد را شبانه کشتند و گفتند قتله الجن چون نخست انصار او را نامزد خلافت کرده بودند که خلیفه دوم با شتاب آمد با ابوبکر بیعت و او را از صحنه خارج ساخت.
۲۴. مسند احمد حنبل، ج ۱، ص ۵۵ و تاریخ طبری، ترجمه پاینده، ج ۴، ص ۱۳۳۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۲۷؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، ج ۵، ص ۲۴۶.
۲۵. الغیبة النعمانی، ص ۱۲۶؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۵۸؛ تأویل الآیات الظاهره، ج ۱، ص ۳۶۹؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۲۸۹؛ الکافی، ج ۱، ص ۱۹۳؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۴۴۳؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۸۲؛ تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۴۷؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۳؛ الغیبة الطوسی، ص ۱۱۰؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۴.
۲۶. نور (۲۴) آیه ۵۵.

۲۷. بحار الانوار، ج ۱۸، باب ۱۱ و المناقب، ج ۱، ص ۱۱۲.
۲۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱ و كشف الغمة، ج ۲، ص ۴۷۰.
۲۹. نور (۲۴) آیه ۵۵.
۳۰. المستدرک، ج ۷، ص ۲۵۴.
۳۱. المیزان، ج ۱۵، ص ۱۵۵.
۳۲. اسراء (۱۷) آیه ۷.
۳۳. كهف (۱۸) آیه ۹۸.
۳۴. قصص (۲۸) آیه ۵.
۳۵. برداشتی از کتاب: قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ.
۳۶. یونس (۱۰) آیه ۱۴.
۳۷. صلح و قردادهایی که با مشرکین و اهل کتاب منعقد می‌شد
دلیل بر عدم تمکین دین و حصول امنیت بود.
۳۸. شیخ ابوالفوح رازی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر
القران، ص ۱۷۰.
۳۹. تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۲۴۰.
۴۰. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۸؛ سنن ترمذی، ج ۵، ص ۲۵۰؛
مشکل الآثار ج ۳، ص ۶؛ ماروی فی سورة المائدة، ص ۱۹؛ تفسیر
ابن کثیر، ج ۲، ص ۱۲؛ تفسیر طبری، ج ۶، ص ۸۳؛ ذیل آیه
اکمال دین و فتح الغدیر، ج ۲، ص ۱۲؛ تفسیر تعالی، ج ۲، ص
۳۴۳؛ ذیل آیه سنن کبری نسایی، ج ۶، ص ۳۳۲؛ کتاب التفسیر
سوره مائده حدیث ۱۱۳۷؛ حجة الوداع، ج ۱، ص ۱۳۱ و الباب فی
علوم الكتاب، ج ۷، ص ۱۹۷ ذیل آیه.
۴۱. تفسیر الخازن، ج ۲، ص ۹؛ ذیل آیه الكمال و الباب فی علوم
الكتاب، ج ۷، ص ۱۹۷ ذیل آیه.
۴۲. تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۲، ص ۵۴۶؛ ذیل
آیه و تفسیر فتح البیان، ج ۳، ص ۳۳۹.
۴۳. تفسیر کبیر فخر رازی متوفی سال ۶۰۶، چاپ دارالطباعه، به
نقل از: اسباب النزول، ص ۱۵۰، چاپ هند سال ۱۳۱۵.
۴۴. تفسیر الدر المثور تألیف امام جمال الدین سیوطی، چاپ میمنه
مصر سال ۱۳۱۴.
۴۵. تاریخ بغداد، تألیف حافظ ابی بکر احمد بن علی بغدادی چاپ
سعادت مصر، ج ۶، ص ۲۹۰.
۴۶. نور (۲۴) آیه ۵۵.

اگر حاکمیت دین در تمام دنیا تثبیت شود، مؤمنان فقط در برابر خدا خضوع و عبادت خواهند کرد و به هیچ قیمتی در برابر عوامل استکباری مثل روسیه و آمریکا خضوع نکرده و حتی سردمداران اسلامی با کافران مصافحه هم نخواهند کرد، چرا که دست دادن‌ها، امضای قراردادها و خضوع‌های ظاهری همه از نوع شرک سیاسی محسوب می‌شود که تنها به هنگام اضطرار مباح خواهد بود.

* * *

امروز اگر زمامداران اسلامی برای مصالح امت‌های مسلمان، به سردمداران کفر و استکبار، احترام می‌گذارند، به آنان دست می‌دهند و پشت میز مذاکره قرار می‌گیرند و تفاهم‌نامه‌هایی امضا می‌کنند، چنین حرکاتی بی‌گمان از نوع شرک سیاسی، اخلاقی، فرهنگی و رفتاری است، لیکن برای اداره کشور، خروج از انزوا و اضطرار و تأمین حواجی ملت، ضرورت دارد و فقها گفته‌اند: «الضرورات تبیح المحذورات».

* * *

جامعه برین از نظر دنیای کنونی، جامعه‌ای است که افراد آن به رفاه مادی و امنیت داخلی دست پیدا کنند و از نظر سیاسی، دموکراسی بر آن‌ها حکومت کند، اما حکومت دینی هدفش گذشته از امنیت و رفاه مادی و آزادی‌های مشروع، رسیدن به عبودیت خالص دور از هرگونه شرک و اسارت است.

* * *

از مجموع احادیث شیعه و سنی مفهوم می‌شود، دین مورد رضایت حضرت الله طبق آیه ۵۵ سوره نور و آیه ۳ سوره مائده، آن دینی است که امام

علی(ع) خلیفه بلافصل آن باشد و بس. آری خلافت علی مرتضی(ع) مورد عنایت باری تعالی است و همین اسلام مرتضوی، یک روزی به دست حضرت مهدی(عج) حاکم خواهد شد.

* * *

سیوطی در الدرالمنثور ذیل آیه اکمال دین در سوره مائده، از ابن مردویه و ابن عساکر نقل می‌کند که هر دو از ابی سعید خدری روایت کرده‌اند که گفت: هنگامی که رسول خدا در روز غدیر حضرت علی را نصب کرد و به ولایت او ندا در داد، این آیه نازل شد: «الیوم اکملت لکم دینکم».

* * *

دین مورد رضایت حضرت باری تعالی همان آیه‌ای است که در غدیر خم با نصب خلافت امام علی(ع) نازل گردید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً؛ امروز دینتان را تکمیل نمودم و نعمت را بر شما تمام کردم و اسلام را در این شکل قالب به عنوان دین رضایت دارم؛ یعنی اسلامی که علی مرتضی خلیفه آن باشد، مورد رضایت است. چنانچه بسیاری از مفسران و بزرگان اهل سنت هم آن را تأیید کرده‌اند.

* * *

گرچه در عصر رسول اکرم(ص) خلافت بلافصل امام علی(ع) پذیرفته شد، ولی بعد از رحلت پیامبر، امام علی را به بهانه‌های مختلف از صحنه سیاسی حذف کردند و خوف و ترس مؤمنان به «امنیت» به مفهوم واقعی آن تبدیل نشد، چراکه پس از پیامبر جمعی با قهر و غلبه و ترس، خلافت ابوبکر را پذیرفتند.

حاکمیت نهایی تقوای پیشه‌گان و صالحان از سنن لایتغیر الهی است که در سوره‌های انبیا، آیه ۱۰۵ و اعراف، آیه ۱۲۸ آمده است و این که تا مردم خود خلاقیت به خرج ندهند و در اوضاع و احوال خود تغییر ندهند، خداوند اوضاع و احوال عمومی آن‌ها را تغییر نخواهد داد، این نیز از سنت‌های الهی است، چنان که اگر طبقات مرفه فسق و فجور و شهوت‌رانی به‌راه بیندازند و جامعه را به‌سوی فساد و تباهی بکشانند، سرانجام نابود می‌شوند؛ این هم یک سنت الهی است.

حضرت امام(ره) انقلاب اسلامی ایران را یکی از مصادیق بارز آیه شریفه (وعد الله الذین ...) می‌داند و می‌فرماید: یک جهت در این آیه شریفه که به ذات مقدس الهی مربوط می‌گردد، تحقق پیدا کرد؛ نهضت به پیروزی رسید و خوف‌های ملت ما به ایمنی تبدیل شد. قبلاً ملت ما از قوای انتظامی و از سازمان امنیت، از شهرداری و شهرداری‌ها، از دستگاه جبار خوف داشتند. خداوند تبارک و تعالی این خوف را به ایمنی تبدیل کرد.

آیه ۵۵ سوره نور در صدد بیان یک قاعده کلی است و قرینه‌ای در کار نیست که مصداق آن تنها پیغمبر یا اصحاب و یا ائمه اهل بیت باشند، بلکه مقصود این است که جامعه مؤمن و صالح هرگاه ایمان و شایستگی همه جانبه یافتند، بر سرنوشت خویش حاکم می‌شوند.

فتنه‌ها و اختلافات داخلی و نقش منافقین در ایجاد شکاف باعث شد که مسلمان‌ها از حکومت دین و نعمت امنیت، اتحاد و برادری فاصله بگیرند و به انتظار حکومت جهانی حضرت مهدی بنشینند تا دین به معنای واقعی تثبیت شود و آن‌ها بتوانند خدا را آن گونه که بایسته است، عبادت نمایند و از هرگونه شرک و هواپرستی آزاد شوند.

با کمال تأسف مسلمان‌های صدر اسلام بعد از رسول اکرم(ص) حاکمیت و تمکین دین و امنیت راستین را از دست دادند و همان گونه که در حدیث نبوی بازگو شده بود (که پس از من فتنه‌های زیادی به‌وجود می‌آید) اختلاف‌ها و اضطراب‌ها آغاز شد و خلافت از مسیر صحیح منحرف شد.
